

فهرست

- ٧ الدرس الاول: من آيات الأخلاق
- ١٦ الدرس الثاني: في محضر المعلم
- ٢٧ الدرس الثالث: عجائب الأشجار
- ٣٧ الدرس الرابع: آداب الكلام
- ٤٩ الدرس الخامس: الكذب مفتاح لكل شر
- ٦١ الدرس السادس: أنه ماري شيمل
- ٦٩ الدرس السابع: تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية
- ١٠٢ باستخامه تشریحی

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن﴾ والحجرات: ٢١
ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیار از گمان بپرهیزید

﴿يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم ولا نساء من نساء عسى أن يكن خيراً منهن ولا تحبوا بالألقاب. نفس الاسم فسوق تعدد الإيمان. و من لم تثب فأولئك هم الظالمون. يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن. إن بغض الظن إثم. و لا تحبوا بغضكم بغضاً أبحت أخذكم أن يأكلن لحم أخيه ميتاً فكرهوه و اتقوا الله إن الله توبت رحيم﴾

سخر من: مسخره کرد (سخن، تشخر، مصدر، مخرجة)	إثم، گناه - ذنب
لا يسخر، نباید مسخره کند	تجسس، جاسوسی کرد (تجسس، تجسس)
عسى، شاید - زتما	إغتاب، غیبت کرد (اغتاب، بغتاب)
أن يتثنى، که باشند (کان، تکنون)	لا يتثنى، نباید غیبت کند
أن يتكفوا، که باشند (کان، تکنون)	تغص - بغص، یکدیگر
لتز، عیب گرفت (مضارع، تلیر)	لحم، گوشت (جمع، لحم)
تتابر بالألقاب، به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تتابر، بتتابر)	هتبه، فربه (جمع، أهوات، هؤتی، هخی)
یتس، بد است.	کره، ناپسند داشت (کره، تکره)
سوقه، آلوده شدن به گناه	إثمی، پروا کرد (اثمی، یثمی)
تاب، توبه کرد (تاب، تتوب)	اتقوا الله، از خدا پروا کنید.
لم يتثنى، توبه نکرد.	توابه، بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده

ترجمه متن: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید مردمانی دیگر را ریشخند نکنید، شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند و نباید زنانی زان (دیگر) را [ریشخند کنند] شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. آلوده شدن به گناه پس از ایمان، اسم بدی است. و هر کس توبه نکند آنان ستمکارند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیار از گمان (از بسیاری از گمان‌ها) بپرهیزید که بعضی گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر نکنید. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مردمش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿خذ یكون بین الناس من هو أختس بثا، فقلینا أن تبعد عن العجب و أن لا تذکر شیوب الآخرين بکلام خفی أو یاشاره فقد قال امیر المؤمنین علی (ع): ما کبر العجب أن تعیب ما هیئت مثله﴾

خذ: گاهی، شاید (بر سر مضارع) قد یتکون: گاهی می‌باشد	آخرین دیگران
اگر هتبه بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	
عجب، خودپسندی	خفی، پنهان - ظایر
	عاب، عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع، تعیب)

ترجمه متن: گاهی میان مردم کسی هست که از ما بهتر است، پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده یا با اشاره ذکر نکنیم. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی را بجویی که مانند آن در خودت باشد.

﴿تضحوا الآية الأولى و تقول: «لا تعیبوا الآخرين. و لا تلقیوهم بالقباب تکزهوتها. پس العمل الفسوق و من یفعل ذلک فهو من الظالمین﴾

خرم، حرام کرد. (خرم، یخرم)	تنصحه، ما را نصیحت می کند. (نه، مفعول)
بسن، بد است.	لقبه، لقب داد. (لقب، یلقب)

ترجمه متن: آیه نخست، ما را اندرز می دهد و می گوید: «صیبه جویی دیگران نکند و به آنان لقب‌هایی که ناپسند می دارند، ندهید. آلودگی به گناه بد است و هر کس چنین کند در این صورت از ستمگران است.»

﴿إِذْ نَفَخَ الْوَيْلُ مِنَ الْقَنَاطِرِ﴾

- ① «الاستهزاء بالأخرين، و تسميتهم بالأسماء القبيحة.»
 - ② «سوء الظن و هو اتهام شخص لشخص آخر بدون دليل منطقي.»
 - ③ «التجسس، و هو محاولة قبيحة لكشف أسرار الناس يفضحهم و هو من كبار الذنوب في مكتبتنا و من الأخلاق السيئة.»
 - ④ «و الغيبة، و هي من أعم أسباب قطع التواصل بين الناس.»
- شئی بغض انفسرين سورة الحجرات التي جاءت فيها هاتان الآيتان يسورة الأخلاق.

استهزاء، ریشخند کردن (استهزاء، یستهزئ)	فضح، رسوا کردن
تشمیت، نام دادن، نامیدن (تشمی، یتمی)	تباهر، گناهان بزرگ و مفرد، تمیزه
محاولة تلاش	أهم، مهم ترین
فیج، زشت	تواصل، ارتباط (تواصل، يتواصل)

ترجمه متن: بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام ساخته است:

- ① «ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با اسم‌های زشت»
 - ② «بدگمانی و آن عبارت است از اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیلی منطقی»
 - ③ «جاسوسی و آن عبارت است از تلاشی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم و برای رسوا کردنشان که از گناهان بزرگ در آیین ما و از اخلاق بد است.»
 - ④ «غیبت و آن از مهم‌ترین دلیل‌های قطع ارتباط میان مردم است.»
- برخی مفسران سورة الحجرات، را که در آن این دو آیه آمده است، سورة باخلاق، نامیده‌اند.

الألفاظ الغريبة

مترادف	متضاد	مفرد	جمع
انقر - اصبح	ساءه خشن	كبيرة	كبار
محسى - زئما	هبت - جح	لحم	لحوم
إثم - ذنب	صل - امتدی	هبت	أموات، موتی
ظلم - جلی	التهيء الأمر	أح	إخوان، إخوة
هبت - هبت	فخورة متواضع	بهمة	بهائم
عاب - لمز	أردل، أفضل	قستان	قستابین
تجيز بين - استهزا	الرجائيء التسانی	یعر	أسعار
	معروف، فنكر	یروال	سراویل
	صداقة، عداوة	مصنع	مصانع
	غالی، رعیصه	متجر	متاجر
	فیج، گریه	میزان	موازين

عق، به شتاب	فتقر، مغازه
أمدی، مذبه کرد	زمیل، شكار، متكلاسی
للقای، سبیده‌دم	تخفیف، تخفیف
غلیظه، چیره شد، غلبه کرد	ساءه، بد شد
جایله ستیز کن، گفتگو کن	عذبه عذاب داد
صل، همراه شد	لأتمت، تا کامل کنم
یعر، قیمت (جمع، أسعار)	خششته، نیکو گردانیدی
تویته، جنس	میزان، ترازو (ترازوی اعمال)
المعرفة، شناخت	سکینه آرامش
بهائم، چاربايان	زاند، پاهاله
عثار، بسیار آزرنده	ناقص، منها
عداوة دشمنی	تکلف، تکلف می کند

اسم تفضیل

حروف اصلی و وزن کلمات

در زبان عربی، افعال و بعضی اسمها از سه حرف اصلی و تعدادی حرف زائد ساخته می‌شوند. حروف اصلی که ریشه کلمه هستند کلیت معنی کلمه را مشخص و حروف زائد جزئیات معنی را تعیین می‌کنند.

برای مثال سه حرف اصلی «ح-م-د» را در نظر بگیرید و به کلماتی که می‌تواند از این سه حرف ساخته شود، توجه کنید:
 ح-م-د ← حامد (ستایشگر) / محمود (ستایش شده) / حمد (ستایش) / حَمْدٌ (ستایش کرد) / یَحْمَدُ (ستایش می‌کند)
 در همه این کلمات معنی ستایش وجود دارد ولی با توجه به وزن‌های متفاوت، معنای متفاوتی دارند.
 در سال گذشته با سه نوع اسم که از ریشه فعل ساخته می‌شود، آشنا شدید (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)

الفعل	اسم فاعل	اسم المفعول	الفعل	اسم المبالغة
عَلِمَ	عَالِمٌ	مَعْلُومٌ	عَبَّرَ	صَبَّارٌ
انزَلَ	نَزَّلَ	نُزِّلَ	عَلَّمَ	عَلَّامَةٌ

در این درس با دو نوع دیگر از این اسمها که از ریشه فعل ساخته می‌شوند، آشنا می‌شوید.
 اسم تفضیل، کلمه‌ای است که معنای برتری را در خود دارد و برای مقایسه دو فرد یا دو چیز و یا مقایسه یک فرد یا یک چیز با افراد و چیزهای دیگر به کار می‌رود. در واقع، اسم تفضیل معادل صفت‌های «برتر» و «برترین» در فارسی است.
 در زبان عربی اسم تفضیل بر وزن «أفعل» و «فعلی» ساخته می‌شود. به عنوان مثال اگر سه حرف اصلی «ک-ب-ر» را به این دو وزن بیاورید کلماتی ساخته می‌شود که دلالت بر معنی تفضیلی (برتری) دارند: «ک-ب-ر» → «أكبر، کبری»

اما چرا دو وزن؟ تفاوت دو وزن در کاربرد چیست؟

می‌دانید که اسمها در زبان عربی مذکر و مؤنث دارند. «أفعل»، «اسم تفضیل» مذکر و «فعلی»، «اسم تفضیل» مؤنث است.

مثال

عَلِيٌّ أَكْبَرُ التَّمِيْزِ فِي صَفَاةٍ (علی بزرگ‌ترین دانش‌آموزان در کلاس ما است)
 رأيتُ أَخِيَّ الْكَبِيْرَ (خواهر بزرگم را دیدم)

همان طور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود: «أكبر» چون به علی اشاره می‌کند بر وزن «أفعل» آمده و «کبری» چون صفت برای اخت است بر وزن «فعلی».

حال به این جمله توجه کنید: فاطمة أكبر من زينب. (فاطمه از زینب بزرگ‌تر است)

فاطمه و زینب هر دو مؤنث هستند، پس چرا در این جمله از «أكبر» بر وزن «أفعل» استفاده شده است؟ آیا این جمله نادرست است؟
 خیر، این جمله درست است؛ زیرا در زبان عربی اگر بخواهیم دو اسم را با هم مقایسه کنیم همیشه از وزن «أفعل» استفاده می‌شود، حتی اگر هر دو اسم مؤنث باشند. توجه کنید برای مقایسه دو اسم، حرف جز «من» در عربی به کار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت: قبل از «من» همیشه «أفعل» می‌آید نه «فعلی».

کاربردهای «اسم تفضیل»

اسم تفضیل، دو کاربرد دارد:

① به عنوان صفت

عَلِيٌّ الْأَصْفَرُ (علی کوچک‌تر) یا فاطمة الكبري (فاطمه بزرگ‌تر)

② برای مقایسه بین دو یا چند چیز

جَبَلٌ ذِمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلِي فِي إِيرَانَ (کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است)

چگونگی ترجمه «اسم تفضیل»

الف) اگر بعد از اسم تفضیل، حرف جز «من» بود، به همراه «تر» ترجمه می‌شود.

آسيا أكبر من أوروبا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

ب) اگر بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه آمده بود، به همراه «ترین» ترجمه می‌شود.

آسيا أكبر فزات العالم. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

جمع «اسم تفضیل»

برای جمع بستن اسم تفضیل «افعل» معمولاً وزن «افاعیل» به کار می‌رود.

اکبر → اکابر
افضل → افاضل

«اماکن» بر وزن «افاعیل» است، اما به نظر نمی‌آید که «اسم تفضیل» باشد؟ درست است که برای جمع بستن اسم تفضیل معمولاً آن را به وزن «افاعیل» می‌بریم، ولی این به آن معنی نیست که هر اسمی که بر وزن «افاعیل» باشد اسم تفضیل است. حتماً باید به معنای کلمه و مفرد آن توجه کرد. به همین دلیل «اماکن» جمع «مکان» به معنی «جاها، مکان‌ها» اسم تفضیل نیست.

بررسی دو کلمه «خیره» و «خیز»

این دو کلمه گاهی اسم تفضیل هستند. برای این که مشخص شود اسم تفضیل هستند یا خیر باید به کاربرد و معنای آن‌ها در جمله توجه شود. اگر این کلمه‌ها به همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شوند، اسم تفضیل هستند. دقت داشته باشید این کلمات در دو حالت حتماً اسم تفضیل هستند اول این که اگر پیش از حرف جرّ «بن» قرار داشته باشند و دوم در صورتی که مضاف واقع شوند.

مثال: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. (بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست) / تَحْكُمُ سَاعَةَ خَيْرٌ مِنْ بِيَادَةِ تَبَعِينَ تَنَةً. (ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است) در جمله اول «خیره» مضاف است و در جمله دوم «خیره» پیش از «بن» قرار دارد.

گاهی این کلمه‌ها معنی اسم تفضیل ندارند و ممکن است معادل «خوب» و «بد» ترجمه شوند و یا معنای مصدری داشته باشند: یعنی معادل «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

مثال: الخَيْرُ فِي مَا يُرِيدُ رَجِيًّا. (خوبی در آن چیزی است که پروردگارت می‌خواهد)

اسم مکان

اسم مکان بر محل انجام کار دلالت دارد و از ریشه فعل ساخته می‌شود.

«مکتب» کتابخانه، اسم مکان است که از فعل «کتب» ساخته شده است.

اسم مکان بر وزن‌های مختلفی می‌آید، «مفعل»، «مفعیل»، «مفعلة» و وزن «مفعل» پرکاربردتر است.

مَلْعَبٌ - ورزشگاه (محل بازی کردن)	مَطْعَمٌ - رستوران (محل غذاخوردن یا طعام خوردن)
مَصْنَعٌ - کارخانه (محل ساختن و صنعت)	مَطْبَعٌ - آشپزخانه (محل پختن و طبع کردن)
مَخِيلٌ - کجاوه (محل حمل کردن)	مَثَرٌ - خانه (محل نشستن)
مَكْتَبَةٌ - کتابخانه (محل کتاب خواندن)	مَطْبَعَةٌ - چاپخانه (محل طبع کردن یا چاپ کردن)

معمولاً جمع اسم مکان بر وزن «مفاعیل» است: مانند مدارس، ملاعب، مطاعم و منازل.

آیا می‌توان گفت هر کلمه‌ای که بر وزن «مفعیل» یا «مفاعیل» باشد حتماً اسم مکان است؟ در تشخیص اسم مکان دقت داشته باشید که هم وزن مهم است و هم معنا. به عنوان مثال «المصنف» مکان هست، اما اسم مکان نیست یا «المبني» بر وزن «مفعیل» است، اما اسم مکان نیست.

عَرَبِيَّةُ اسْمِ التَّضْيِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ

① أكثر فيتامين ٥ للبرقالت في قشرد.

② أدب المرء خير من ذميه.

③ تل التصانيع تجهيم ركبياً في الفلوات.

«أكثر» در جمله اول و «خیره» در جمله دوم اسم تفضیل هستند. در جمله اول چون بعد از اسم تفضیل «مضاف‌الیه آمده» است به صورت «بیشترین» ترجمه می‌شود و در جمله دوم، بعد از اسم تفضیل «بن» آمده لذا به صورت «بهتر» ترجمه می‌شود.

در جمله سوم «مصانع» بر وزن «مفاعیل» اسم مکان است و مفرد آن «مصنع» است.

بازگشت به

ترجم الجمل ثم ضع خطاً تحت اسم التفضيل و خطين تحت اسم المكان.

- 1 الإعجاب بالنفس من أفعال الأعمال.
- 2 افتتح أكبر مكتبة في مدرستنا.
- 3 أكلنا في المطعم اللذيع طعاماً.
- 4 الحياة حسن ولكن في النساء أحسن.
- 5 خير إخوانكم من أهدى إليكم محبوبكم.
- 6 شو الناس من لا يعتقد الأمانة.
- 7 تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة.
- 8 ذلك تنجز صديقي.



اشغلي با ربي سوالات چهارگزینایی

عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- 1 لون الغراب أسود و هو لون جميل.
- 2 إن القرآن يهدي للتي هي أقوم.
- 3 شو الناس من لا يعتقد الأمانة.
- 4 أبايات الصحاح خير عند ربي ثواباً.

وزن «اسم تفضيل» در مذکر «فعل» و در مؤنث «فعلی» و جمع آن «افاعل» است. «خیر» و «شر» به معنی بهتر و بدتر (بهترین، بدترین) «اسم تفضیل» است.

در ضمن رنگ‌ها و عیب‌ها بر وزن «فعل» و «فعل» «اسم تفضیل» نیستند. لذا گزینه ۱ دارای «اسم تفضیل» نیست. و «أسود» «سياه» رنگ است در سایر گزینه‌ها، و «شر» «اقوم» «خیر» «اسم تفضیل» هستند.

عین ما فيه اسم المكان في محل الجار والمجرور:

- 1 سلام في حتى مطلع النجر.
- 2 ما وجدت حقيتي في المطار.
- 3 رأيت الشجادة العتيقة في التحفة.
- 4 رأيت مناظر جميلة في الزيف.

«اسم مكان» بر مکان انجام کار دلالت می‌کند و بر وزن «فعل» فعل، «فعل» فعل، می‌آید و جمع آن‌ها بر وزن «ففاعل» است. در گزینه ۱ «مطلع» بر وزن «فعل» است و بر زمان دلالت می‌کند. در گزینه ۳ «تحفة» به معنی موزه، بر وزن‌های «اسم مكان» نیست. در گزینه ۲ «الزيف» روستا و نیز مکان هست. اما بر وزن‌های نادهشده نیامده. پس «اسم مكان» نیست.

گزینه ۲ درست است: «مطار» بر وزن «فعل» «اسم مكان» و در نقش جار و مجرور است.

عین عبارة يوجد فيها اسم التفضيل:

- 1 اشترى أبي أساور من الفضة لأختي.
- 2 خير الأمور أخيراً.
- 3 اللون الأخضر هو اللون المفضل في العالم.
- 4 إني أعلم ما لا تعلمون.

«خیر» «بهتر» و «أخيراً» (آخراً) «بتهان‌ترین» «اسم تفضیل» هستند پس گزینه ۳ درست است.

در گزینه‌های ۱ و ۲، «أساور» بر وزن «افاعل» «دستبندها»، «أخضر» «سبز» «اسم تفضیل» نیستند و «أعلم» در گزینه ۴ فعل است.

في أي عبارة لا نجد اسم المكان؟

- 1 جعل البائع مقادير من المواث الغذائية في المعازن.
- 2 جعلت لزيارة مقبرة الإمام الرضا (ع) إلى مشهد.
- 3 جعل البائع مقادير من المواث الغذائية في المعازن.
- 4 تجد الملابس النسائية في هذا الدكان.

«الدكان» بر وزن «ففاعل» است. اما بر مکان دلالت نمی‌کند و «الدكان» محل است. اما «اسم مكان» نیست. لذا در گزینه ۴ «اسم مكان» نمی‌یابیم و در سایر گزینه‌ها «المقبرة» «مقبره» «مشهد» «مخازن» «اسم مكان» است.

عین الخطأ في استخدام اسم التفضيل:

- 1 القرية أجمل من المدينة.
- 2 تلك التلميذة تجرى من هذه التلميذ.
- 3 دعواند من أعلى الجبال.
- 4 صديقتي الكبرى سافرت إلى مشهد.

برای مقایسه دو اسم مؤنث از «اسم تفضیل» مذکر استفاده می‌شود. لذا در گزینه ۲ که مقایسه این دانش‌آموز با آن دانش‌آموز است باید از لفظ مذکر «أكبر» استفاده کرد. پس گزینه ۲ نادرست است.



بهتر است بدانیم

- ⊙ رنگ‌ها و عیب‌ها که مذکر آن‌ها بر وزن «فعل» و مؤنث بر وزن «فعله» می‌آیند، اسم تفضیل به حساب نمی‌آیند. «سبز: أخضر، خضراء» / «سفید: أبيض، بیضاء»
- ⊙ وزن «فعل» مشترک بین اسم و فعل است برای تشخیص آن علاوه بر معنا به بعضی موارد باید دقت کرد.
- ⊙ اگر وزن «فعل» مضاف باشد یا بعد از حرف جرّ «بن» بیاید، حتماً اسم تفضیل و همچنین اگر پیش از حرف جرّ «بن» باشد عموماً اسم تفضیل است. ولی اگر بعد از وزن «فعل» فاعل یا مفعول آمده باشد این وزن، بر «فعل» دلالت می‌کند.
- مثال:** أنا أفدرُّ منك علی تهیئة الخبز. من از تو بر تهیه نان تواناترم. / أفدر = اسم (اسم تفضیل)
- ⊙ أعلمُ الناس من جتخ علمُ الناس إلی علمه. دانایترین مردم کسی است که دانش مردم را یا دانش خودش جمع کند. / أعلم = اسم: الناس = مضاف‌الیه أعلم ما لا تعلمون. می‌دانم آنچه را شما نمی‌دانید. / أعلم = فعل: ما = مفعول
- ⊙ اسم‌هایی مانند «مطار، هزار، صر، مفر» اسم مکان بر وزن «فعل» هستند که در اصل «مَطَر، هَزْر، هَرَر، مَفْر» هستند.
- ⊙ اسم‌هایی مانند «أعلى، ادنی» اسم تفضیل بر وزن «فعل» هستند که چون آخرین حرف اصلی آن‌ها به «و» یا «ی» است، آخر آن به «ی» ختم شده و یا صدای «آ» خوانده می‌شود.
- ⊙ اسم‌هایی مانند «أقل، أشد، أحب» بر وزن «فعل» هستند که در حروف اصلی آن‌ها دو حرف هم‌جنس قرار دارد و به همین دلیل آخر آن‌ها تشدید می‌گیرد. أقل ← أقلّ

پرسش‌های تشریحی درس اول

بخش اول

الف) ترجمه کلمات الثالیه.

۱. بِئس الاسمُ الكسوفُ بغد الإیمان. ———— إذا بعثت لأتبعن مكارم الأخلاق. ————
۲. الفیة من أهم أسباب قطع التواضع بین الناس. ———— ذلك متجر زمیلی. ————
۳. لا تلقبوهم بألقاب ینكرهونها. ———— هو أعلم بمن ضل عن سبيله. ————
۴. إن بغض الظن إنم. ———— شرُّ الناس ذو الوجدین. ————

ب) عین المترادف و المتضاد.

۵. السالی، أعلى، حی العاقل، عاب، ماء عسی، حقن، رخیص، إلم، الجاهل، خشن الوجدانی، أرخص، ذئب غالی، زئمه فیه، طاهر، نعر.

_____ * _____ * _____ * _____ * _____ * _____ * _____ * _____ * _____ * _____

ج) اذکر مفرد أو جمع الكلمات.

۶. مفرد ← کبار: ———— ألقاب: ———— أرداد: ———— أقاضل: ———— أموات: ———— صراویل: ————
جمع ← بهیمة: ———— ضیب: ———— فکتب: ———— یعر: ———— زمیل: ———— کستان: ————

د) ترجمه الأعمال الثالیه.

۷. ینکروهنها: ———— قد یكون: ———— لا یخسوا: ———— جادلهم: ———— أعطینی: ———— یبعث: ———— قلبت: ———— أمود: ————
لا یعتقد: ———— حتی: ————

بخش دوم

الف) ترجمه الجمل الثالیه.

۸. قد یكون بین الناس من هو أحسن ونا.

۹. أكبر العيب أن تعيب ما فيك منقلاً.
۱۰. هو محاولة قبيحة يكشف أسرار الناس لفضحهم و هو من كبار الذنوب.
۱۱. الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس.
۱۲. إن ربك أعلم بمن ضل عن سبيله.
۱۳. اشترت قميصاً أبيض من متجر صديقي.
۱۴. من ماء خلطه عذب نفسه.
۱۵. يا سائر العيوب و يا علام الغيوب.
۱۶. أيجب أخذكم أن يأكل نخم أخيه ميتاً فكمشموه و اتقوا الله إن الله ثواب رحيم.
۱۷. أنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين.

(ب) کتل الفراغات في الترجمة الفارسية.

۱۸. يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم و لا يساء من يساء.
۱۹. ای کسانی که _____ نباید مردمانی مردم دیگر را _____ شاید آنها از خودشان _____ باشند نه زانی زتان (دیگر) را.
۲۰. هو محاولة قبيحة يكشف أسرار الناس لفضحهم.
- آن _____ زشت برای کشف اسرار مردم _____ است.
۲۱. نضحنا الآية الأولى و تقول: لا تعيبوا الآخرين.
- آیه _____ و می گوید: از دیگران _____.
۲۲. فعلياً أن تبعد عن العجب و أن لا تذكر عيوب الآخرين.
- بر ما لازم است که از _____ و این که عیبهای دیگران را _____.
۲۳. خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبيكم.
- بهترین _____ کسی است که _____ را به شما _____.
۲۴. لا تكلف الله نفساً إلا وسعها.
- خداوند کسی را جز _____.
۲۵. ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن.
- در _____ چیزی _____ از _____ نیست.

(ج) انتخاب الترجمة المناسبة.

۲۵. إما بعثك لأنتم مكارم الأخلاق.
- الف) فرستاده شدم تا بزرگواریهای اخلاق را تمام کنم.
- ب) مبعوث شدهام تا مکارم اخلاق تمام شود.
۲۶. هو أعلم بمن ضل عن سبيله.
- الف) او داناست به آن کس که از راهش گمراه کرد.
- ب) او داناتر است به کسی که از راه او گمراه شد.
۲۷. قد يكون بين الناس من هو أحسن منا.
- الف) گاهی بین مردم کسی است که از ما برتر است.
- ب) بین مردم کسی است که از ما برتر بوده است.
۲۸. الذين آمنوا اجتبوا كثيراً من الظن و الإثم.
- الف) ای کسانی که ایمان آوردید بسیار از گمان و گناه پرهیزید.
- ب) کسانی که ایمان آوردند از بسیاری گمان و گناه دوری کردند.
۲۹. لا تقتربن
- الف) نزدیک نمی شوید.
- ب) نزدیک نکتید.
۳۰. علمن
- الف) آموزش دادند.
- ب) آموزش دهید.

۳۱. ما انگزنا
الف) نشکتم۔
ب) نشکتمہایم۔
۳۲. اهدینا
الف) ہدیہ دادیم۔
ب) ہدایت کردیم۔

بشش قواعد

- الف) عین المطلوب منک۔
۳۳. قَدْ یَکُونُ بَیْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا. (اسم التفضیل، المضاف إلیہ)
۳۴. أَكْبَرُ الْفَیْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِیْكَ مِنْهُ. (المبتدأ، الجار و المجرور)
۳۵. هُوَ لِحَاوَلَتِهِ فَبَحَثَ بِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ یَفْضَحُهُمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَالِ الذُّنُوبِ. (جمع المکسر)
۳۶. الثَّقِیْنَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ تَطْعِيقِ التَّوَاضُلِ بَیْنَ النَّاسِ. (مصدر افعال، گروه دوم، اسم التفضیل)
۳۷. إِنْ رَتَكَ أَعْلَمَ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ. (الفعل الماضي، اسم التفضیل)
۳۸. اشْتَرَيْتُ قَمِیصًا أَبْيَضَ مِنْ مَتَجَرِّ صَدِیقِی. (اسم المكان، الصفة)
۳۹. مِنْ سَاءِ خُلُقِهِ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الفاعل، المفعول)
۴۰. يَا سَتَرَ الْعِیُوبِ وَ يَا عَلَامَ الْفِیُوبِ. (اسم المبالغة)
۴۱. أَلْبَسْتُ أَحَدَكُمْ أَنْ یَأْكُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مِیثًا مَكْرَهْتُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (المحل الإعرابی، في كرهتموه، وأحدہ)
۴۲. فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِیْنَةً عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِیْنَ. (المحل الإعرابی، رسولہ، سکینة)

ب) اکتب العلیات الحسائیة.

۴۳. تسعون تقسیم علی خمسہ یساوی ثمانیۃ عشر۔
۴۴. عشرون فی خمسہ یساوی منہ۔
۴۵. سبعة عشر زائد ثلاثة عشر یساوی ثلاثین۔
۴۶. اثنتا عشرة ناقص أحد عشر یساوی واحدہ۔
۴۷. تسعة و تسعون ناقص ثلاثة و ثلاثین یساوی ستة و ستین۔

ج) عین المطلوب فی العبارات و التراکیب الثالیة.

۴۸. مِنْ أَكْبَرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا الْاِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِیْنَ۔
اسم التفضیل: الجار و المجرور: المصدر:۔
۴۹. لَا تُقْبَلُ لَهُمْ بِالنَّارِ بِكَرْهِنِهَا۔
فعل الثہی: جمع المکسر: المحل الإعرابی ضمیر ہاء:۔
۵۰. يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ۔
اسم الفاعل: اسم المفعول: اسم المبالغة:۔
۵۱. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لَنَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ۔
فعل الأمر: ضمیر دوم شخص: المحل الإعرابی دأرحمہ:۔
۵۲. سُرُّ النَّاسِ مَنْ لَا یَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا یَجْتَنِبُ الْخِیَانَةَ۔
اسم التفضیل: المحل الإعرابی الخیانة: نوع الفعل: لا یعتقدہ:۔
۵۳. إِذَا مَلَكَ الْأَرَادُلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ۔
المحل الإعرابی الأفاضل: مفرد الأفاضل: معنی أرادلہ:۔

٥٤. نصحنا الآية الأولى.

الفاعل: _____ المفعول: _____ الصفة: _____

٥٥. انتخب الجواب الصحيح.

٥٥. إذا بعثت لأنتم مكارم الأخلاق. → فعل المجهول: (أتتم، بعثت)

٥٦. إن بعض الظن إثم. → مترادف «إثم»: (ذنب، ذل)

٥٧. اتهام شخصي لشخص آخر بدون دليل منطقي. → كلمة مناسبة لهذه العبارة: (التجسس، سوء الظن)

٥٨. خير إخوانكم من أهدى إليكم سيوبكم. → اسم التفضيل: (أهدى، خير)

٥٩. الشعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. → الخبير: (أمر، معرفة)

٥٨. كمل الجدول التالية.

الحروف الأسيّة	المصدر	الشي	الأمر / النهي	المضارع	الماضي
_____	إحسان نيكي كردن	لا تحسّنون نيكي نسي كتيډ	أحسّنوا	تحسّن	لدا أحسنت
_____	اجتناب دوري كردن	لا تجتنب _____	اجتنبوا	سوف يجتنبان	اجتنت
_____	تعذيب عذاب نادن	ما عذبّ _____	لا تعذبّ	تعذبّ	عذبّنا
_____	استرجاع پس گرفتن	لا تسترجعون _____	استرجعوا	تسترجعون	استرجعوا
_____	تعرج نانش آموخته شدن	ما تفرجّ _____	لا تفرجّ	سأفرجّ	تفرجنا
_____	اشتغال كار كردن	لا تشتغلين _____	اشتغل	تشتغلن	لدا اشتغلتم
_____	محاولة تلاش كردن	ما حاولنا _____	حاولي	سوف يحاول	حاول تلاش كرد

٥٩. **بذل منظوم و حرف**

٥٩. أجب عن الأسئلة حسب النص.

٥٩. بم (بمالا) شينة عمل القبية؟

٥٩. هل يجوز التجسس على ما فعل زملائي؟

٥٩. أي سورة في القرآن شئت بسورة الأخلاق؟

٥٩. ماهي الأعمال التي تقفنا الله بين ارتكابها؟

٥٩. لمن هذا الحديث: «أكبر القبي أن تعيب ما فيك ويقله»؟

٥٩. من هو مخاطب الله في هاتين الآيتين (حجرات ١٢ و ١١)؟

٥٩. اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة.

(مراهنه سوال)

٥٩. إن أول مسؤولية للمرأة عنايتها بالأسرة. فإن الأخلاقيات التي تراها خارج المنزل ليست إلا نتيجة للبدن الأول الذي يدرته الأم في البيت. فالأم ترسم في ذهن الطفل الغايات التي سيبلغها في حياته. ولذلك نعتقد أن الإصلاح الحقيقي للأمة هو تربية البيت. إضافة على ذلك فمن المسؤوليات الأخرى للمرأة مشاركتها في الخدمات الاجتماعية، و من أفضلها مكافحة (مبارزه) الفقر و مكافحة الجهل و مكافحة المرض.

٥٩. الأم المثالية هي التي _____

٥٩. ① تجمع بين المسؤوليات الاجتماعية و الأسرية.
② لا تعمل خارج البيت و تحب أن تكون لها أولاد كثيرون.
③ لا تهتم بالمسؤوليات الاجتماعية و تتمسك بتربية أولادها.

٥٩. كيف تتحقق مكافحة المرض من جانب الأم؟ عيّن الخطأ:

٥٩. ① إذا علمت أبناءها الاجتناب عن الجراثيم
② حين أصبحت طبيعية و عالجت الأمراض.
③ إذا مرض الطفل و عالجه الأطباء.
④ حين قامت بتربية طفلها سالم.

۶۹. «ان كان ... يتشع ... سعيدة، واما ... جريمة، عين الصحیح للفراغ:
- ① الطفل / امرأة / يوم - ② الإنسان / ثلاثة / لم يتم - ③ المنزل / باعلاق / لم تنتشر ④ المجرم / بأسرة / لم يرتكب
۷۰. المقصود من النص هو ...
- ① احترام الأم في المجتمع. ② احتصاص التربية بالبنات. ③ عدم أهمية تربية البنين في تقدم المجتمع. ④ أهمية دور الأم في إصلاح المجتمع.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

بخش واژه

۷۱. عین الجملة التي ليست فيها الأسماء المتضادة:
- ① ترشد أولادنا إلى الابتعاد عن الأراذل و التهرب إلى الأفاضل. ② أريد حقيبة رخيصة هذه الأسعار غالية. ③ التفتت من كبار الذنوب لتصح الناس. ④ الذهر يومان: يوم لك و يوم عليك.
۷۲. عین الصحیح:
- لا يَكْفُفُ اللهُ نَفْساً إِلاَّ وَسِعَاءَهُ
- ① مكلف نمی‌شود. - تواناییش ② مکلف نشد - فراوانی‌اش ③ مکلف نمی‌کند. - توانایی‌اش ④ تکلیف نکرد. - توانایی لو
۷۳. عین الخطأ:
- ① إنم - معصية / أعلى - أسفل ② رجال - نساء / ساء - عذبت ③ أردل - أفضل / غالي - رخيص ④ استهزاء - شعریة / يتكره - يُحِبُّ
۷۴. عین الصحیح عن الجمع:
- ① أكبر - كبراء ② مطعم، طعام ③ لحم الحام ④ ذئب - اذئاب

بخش ترجمه

- عین الأصح و الأدق في الترجمة:
۷۵. لا تُقْبِوْهُم بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَاءُ
- ① به آن‌ها لقب‌هایی که ناپسندشان می‌دارند، تندیید. ② به یکدیگر عنوان‌هایی ناشایست تندیید و آن را ناپسند دارید. ③ آیا هیچ کسی می‌خواهد که گوشت مرده برادرش را بخورد، پس دوری کنید. ④ آیا کسی از شما دوست داشت که گوشت برادر مرده را بخورد لذا آن را زشت می‌شمارید. ⑤ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مردش را بخورد لذا آن را ناپسند می‌دارید. ⑥ آیا کسی دوست دارد که گوشت برادر مرده را بخورد لذا آن را ناپسند می‌دارید.
۷۶. «أحبب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه»
- ① اولین آیه نصیحتان کرد و می‌گوید: عیبجویی یکدیگر را نکندید. ② آیه نخست، ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیبجویی نکندید. ③ آیه اول نصیحتان می‌کند و می‌گوید: هرگز از دیگران عیبجویی نکندید. ④ آیه، ابتدا ما را پند می‌دهد و می‌گوید: نباید عیبجویی دیگران باشیم.
۷۸. «على الشباب احترام الوالدين خاصة في أيام الشيب»
- ① بر جوانان ماست احترام والدین مخصوصاً در زمان پیری آن‌ها. ② به‌خصوص در زمان جوانی احترام به پدر و مادر واجب گشته است. ③ جوانان باید به والدین مخصوصاً در زمان پیری احترام بکنند. ④ به‌خصوص در جوانی احترام به والدین هنگام سالخوردگی آن‌ها لازم است.
۷۹. «في غابات بلدنا الخضراء أشجار كثيرة»
- ① در جنگل‌های سرزمین ما درختان فراوانی وجود دارد. ② در جنگل‌های سرسبز سرزمین ما درختان بسیاری است. ③ در شهر سرسبز ما جنگل‌هایی با درختان بسیار است. ④ درختان فراوان در جنگل‌های سرزمین سبز ما وجود دارد.
۸۰. «يوم العدل على القام أشد من يوم الجور على المظلوم»
- ① روز دادخواهی برستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است. ② عاقبت ستمگری دادخواهی شدید ستم‌دگان است. ③ روز دادخواهی از ستمگر دشوارتر از روزی است که ستم‌دیده دیده شود. ④ ستمگر باید منتظر روزی باشد که ستم‌دیده انتقام خود را از او بگیرد.

(حرامی به حق)

(حرامی المانع)

(حرامی المانع)

(احراز بری زناهی)

۸۱- «الغیام واجِبٌ علی الجمیع و نحن ضمننا هذا العام کالثنوات الماضیة.»

- ۱) بر همگی ما روزه واجب است: لذا ما اعمال هم مثل سال های گذشته روزه می گیریم.
- ۲) بر جمیع ما روزه گرفتن لازم است: لذا ما مثل سال های گذشته روزه دار بودیم.
- ۳) روزه بر همگی واجب است و ما اعمال چون سال های گذشته روزه گرفتیم.
- ۴) روزه داری بر جمیع ما واجب می باشد ما اعمال را همچون سال پیش روزه گرفتیم.

(احراز بری هتراه)

۸۲- «كان يُعَلِّمُ النَّاسَ كيف يعيشون في سعادة.»

- ۱) به مردم می آموخت چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
- ۲) مردم آموخته بودند که چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
- ۳) به مردم یاد داده بود چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
- ۴) مردم چگونه در خوشبختی زیستن را از او یاد گرفته بودند.

(احراز بری الحاقی)

۸۳- «كان ذلك الزجل يذهب بالبنين إلى الشوق لبيعه للناس.»

- ۱) آن مرد شیر را به بازار می برد تا آن را به مردم بفروشد.
- ۲) آن مرد با شیر به بازار رفت تا آن را به مردم بفروشد.
- ۳) آن مرد شیر را به بازار برده تا آن را به مردم بفروشد.
- ۴) آن مرد با شیر را به بازار رفته بود تا به مردم بفروشد.

(احراز بری هتراه)

۸۴- «كانت محارِبُ اللَّيْلِ قد عرفت عن عبادة جنودنا في الحرب العدوانيَّة أشياء كثيرة.»

- ۱) رزمگاه های شب از عبادت شجاعان ما در جنگ تحمیلی آگاه بودند و چیز زیادی را می دانستند.
- ۲) عبادتگاه های شبانه از عبادت قهرمانان ما در جنگ تحمیلی چیزهای زیادی می شناخت.
- ۳) محراب های شب از عبادت سربازان ما در جنگ تجاوزگرانه چیزهای زیادی را شناخته بودند.
- ۴) محراب های شب از عبادت سربازان ما در جنگ تجاوزگرانه چیز زیادی را متوجه شده بود.

(احراز بری زناهی)

۸۵- «في تاريخ أمتنا العريقة كثير من الشعراء كانوا من طبقة النساء الفاضلات.»

- ۱) در تاریخ اصیل ملت ما بسیاری از شاعران هستند که از طبقه زنان فاضل بر خاسته اند.
- ۲) در تاریخ ملت اصیل ما بسیاری از شاعران فاضل از طبقه زنان بر خاسته اند.
- ۳) در تاریخ ریشه دار امت ما شاعران بسیاری از طبقه زنان فاضل بودند.
- ۴) در تاریخ امت ریشه دار ما بسیاری از شاعران از طبقه زنان فاضل بودند.

پیش منظومی و درک

(احراز بری زناهی)

۸۶- «عین الجواب الصحیح لهذا السؤال: «متى تسافر إلى القرية؟»

- ۱) اسافر في أيام العطلة.
- ۲) تسافر إلى القرية في أيام العطلة.
- ۳) تسافرون إلى القرية في أيام العطلة.
- ۴) تسافرون إلى القرية في أيام العطلة.

۸۷- «اللَّهُمَّ كما حسنت خلقي فحسن خلقي.» عین الأیعد عن المفهوم:

- ۱) حسن الخلقی تصنت الذین.
- ۲) من ساء خلقه عدت نفسه.
- ۳) خیر إخوانکم من أهدى إلیکم عیونکم.
- ۴) لیست شیء أذل فی المیزان من الخلقی الخسیر.

(احراز بری زناهی)

۸۸- «اقرأ النض الثاني بدقة، ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النض:

من المؤكد أن الكلب حیوانٌ يعيش على تناول اللحم والعظم، ولكن أدرك العلماء أخيراً إن الكلب إذا اشتد به الجوع ولم يجد طعامه المحبوب يتجأ إلى تناول النباتات والأعشاب و أنه يقدر أن يبقى على هذه الحالة حتى آخر عمره. وقد أكد العلماء أن الكلب الذي يتعود أكل النباتات يتنى بعد فة أطعمته المحبوبة، أي: اللحم والعظم، و يصبح حیواناً نباتياً. هذا الكلب يفقد الكثير من صفات الكلب العادي و يعمل و كأنه حیوان آخر.

متى يصبح الكلب حیواناً نباتياً؟

- ۱) إذا تناول العظم و اللحم.
- ۲) إذا عاش قرب الأعشاب و النبات.
- ۳) إذا وجد طعامه المحبوب.
- ۴) إذا لم يجد عند اشتداد جوعه لحماً و لا عظماً.

عین الخطأ:

- ۱) الجوع هو السبب لتغيير عادات الكلب.
- ۲) أكلت النباتات یرجح تناول العشب و النبات.
- ۳) لا يمكن تغيير عادات الحيوانات.
- ۴) حیوان النباتی، إضافة إلى تغییراته الغذائیة، تتغير عادته الأخری.

عین الصحیح: الكلب النباتی هو الكلب الذي

- ۱) يتناول الأعشاب و اللحم و.
- ۲) تتغير كثير من عادته الغذائیة و.
- ۳) تكلمت عادته الغذائیة فقط.
- ۴) أصبح حیواناً آخر يشبه سائر الكلاب.

پیش خواند

عین ما ليس فيه إسم تفضیل:

- ۱) أخی أفضل مِنی فی الدرس.
- ۲) هذا الجبل أعلى جبل فی بلادی.
- ۳) الخیر فیما نجده.
- ۴) تعلیم الأطفال خیر الأعمال.

عین إسم المكان:

- ۱) لیست شیء أذل فی المیزان من الخلق الخسیر.
- ۲) لا ترفع صوتك فوق صوت والدیک.
- ۳) رشی صانع كل مصنوع.
- ۴) فی هدیتنا اربع کتابت.

٩٣. عین اسم التفضیل مجروراً بحرف الجز:
 ① یهدی تیاره آجل من هذه السياره.
 ② مساعده لثاس من آحب الاعمال عند ربي.
 ③ رأيت مع أختك تجری في التکتبه.
 ④ آحت الناس إلى ربهم أنعمهم لعباده.
٩٤. كم اسم تفضیل في هذه العبارة؟ قلب الظالم أشد قسوة من الحجر بل هو أضل.
 ① واحد
 ② ثلاثة
 ③ أربعة
 ④ اثنان
٩٥. عین الصحیح عن التآوی؟
 ① اسم الفاعل
 ② اسم المفعول
 ③ اسم المكان
 ④ المصدر
٩٦. عین الصحیح عن «أعلم» على حسب الترتیب؟ «أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه و إني أعلم ما لا تعلمون».
 ① اسم التفضیل - اسم التفضیل
 ② اسم التفضیل - الفعل المضارع
 ③ الفعل المضارع - اسم التفضیل
 ④ الفعل المضارع - الفعل المضارع
٩٧. عین ما فيه اسم التفضیل أكثر:
 ① توترون الحباء الدنيا و الآخرة خير و ابني.
 ② خير الأمور أوسطها.
 ③ شجرة الخليل أطول من شجرة البرقال.
 ④ آحت عباد الله إلى الله أنعمهم لعباده.
٩٨. عین ما ليس فيه اسم التفضیل خيراً:
 ① إن رتک هو أعلم بدن قلل عن سيله.
 ② أنا الفدر منك على تهیة الخير.
 ③ أفضل الاکان في الطیعة أخصر.
 ④ عداوة العاللي غير من صداقة الجامل.
٩٩. عین اسم المكان مفعولاً:
 ① كانت مكتبة جندي سلیور امیر مكتبة في العالم.
 ② أرى مسجداً كبيراً في المدينة.
 ③ تبت القش هو الأرض.
 ④ ربك المشرق و ربك المغرب.
١٠٠. عین نوع الأسماء على الترتیب. «ذهبت إلى متجر بالعب الملابس الذي عنده سراويل أفضل».
 ① اسم المفعول - اسم الفاعل - اسم التفضیل
 ② اسم المكان - اسم المفعول - اسم التفضیل
 ③ اسم المفعول - اسم الفاعل - اسم التفضیل
 ④ اسم المكان - اسم المفعول - اسم التفضیل

آزمون (درس اول) ?

الامتحان		ردیف												
0/5	1. ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) يَنْسُ الأشمُ السوءَ بعدَ الإيمانِ، _____ ب) ذميتُ إلى المطيعِ _____	1												
0/5	2. اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (موتى، وُتِم، لحم، عسى، أحياء) الف) _____ - _____ ب) _____ * _____	2												
0/5	3. عَيِّن الكلمةَ الغريبةَ في التنقيح: الف) تجسَّس، استهزاء، تواصل، سوء الطَّنْج ب) احتسب، غير، أمضى، احتب	3												
0/5	4. اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: الف) الجمع كلمة مخزون _____ ب) المفرد لكلمة اليهائم _____	4												
مهارت ترجمه به فارسي														
4	5. ترجم الجُمْلَةَ الثانيةَ إلى الفارسيَّة: الف) هو يحاولُ ليخفِّئَ أسرارَ الناسِ ليقضهم و هو من خيارِ الذنوبِ. ب) لا يكونُ بينَ الناسِ من هو أحسنُ مِنَّا، فعلياً أن نتبعَ عن العجبِ. ج) أدعُ إلى سبيلِ ربك بالحكمة و الموعظةِ الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسنُ. د) ثم سعى هذا القميصَ الرجائي؟ ليس شيءٌ أثقلُ في الميزانِ مِن الخلقِ الخسِ.	5												
1/5	6. ترجم العبارات التالية. <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>أعطى</td> <td>جاءهم</td> <td>أن لحاظ</td> </tr> <tr> <td>_____</td> <td>_____</td> <td>_____</td> </tr> <tr> <td>أرخص</td> <td>تجشَّس</td> <td>لا يملك</td> </tr> <tr> <td>_____</td> <td>_____</td> <td>_____</td> </tr> </table>	أعطى	جاءهم	أن لحاظ	_____	_____	_____	أرخص	تجشَّس	لا يملك	_____	_____	_____	6
أعطى	جاءهم	أن لحاظ												
_____	_____	_____												
أرخص	تجشَّس	لا يملك												
_____	_____	_____												
مهارت شناخت و کاربرد قواعد														
1	7. عَيِّن اسم المكان و اسم التنزيل في هذه العبارة و ترجمتهما: «ذلك فتجزَّ زميلى له سراويلُ أفضلُ» اسم المكان: _____ معناه: _____ اسم التنزيل: _____ معناه: _____	7												
1	8. عَيِّن المحلَّ الإعرابيَّ للكلمات التي أُشيرَ إليها بخط. الف) <u>أفضلُ</u> الأعمالِ <u>لكسبِ</u> من <u>الحلالِ</u> . ب) <u>أنزلَ</u> اللهُ <u>سكنته</u> على <u>المؤمنينَ</u> .	8												
0/5	9. عَيِّن المطلوب: [ثُمَّ يُعَدُّ لَأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ - (الفعل المجهول، جمع مكرس)] _____	9												

آزمون ۱۳ (نیم سال دوم)

فارسی

۱. ترجمه کلمات التي تحتها خط (کلماتی را که زیرش خط کشیده شده ترجمه کن)
الف) کاتب تلی مهابراته. _____
ب) تخطو إلى الكذب على مواته. _____
نکته: في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين.
۲. الف) _____ - _____
ب) _____ - _____
(النَّجْم - غيم - عسى - الجمال - زئما)
۳. عین الکلمة الفریفة فی المعنی:
الف) العذاب، العفار، جوال الجبار
ب) اتی، أمم، أحقر، أعلى
۴. اکتب مفرداً أو جمعاً للكلمتين:
الف) الجمع بالحاسوب. _____
ب) المفرد بالأسنان. _____

مهارت ترجمه به فارسی

- ترجمه الجمل التالية إلى الفارسية:
الف) جابلهم بالشيء هي أحسن إن ريتك هو أعلم بعن مثل عن سبيله
ب) كان بينهم طالب فاشاعت قليل الأدب يقرأ الطلاب بسلوكه
ج) كان العرب ينظرون الكلمات اللعينة وهما لا تستهم
د) أوصت شبل زملاءها أن يشكوا لربنا للحوار القنالي
هـ) ما الجامل يجيب ليل أن يسمع و يحكم بما لا يعلم
و) عثقت رباح شديدة خرجت تبتاً جنت شاطي البحر
ز) قد يدفن الشنجات بعض جوزات البلوط السلمية
۵. انتخاب الترجمة الصحيحة: (ترجمه درست را انتخاب کن)
الف) سئل النبي: أي مال خير؟
۱. برسیده شد
ب) یا آنها الذين امنوا اجتنبا كثيراً من القرن. ای کسانی که ایمان آوردید
۱. به بسیاری از گناهان اعتماد نکنید.
۲. از بسیاری گمان ما دوری کنید.
۶. کثل القراءات في الترجمة الفارسية.
الف) أمرني بأداء الفرائض _____ به انجام
ب) تارة يهمن إلى الذي جنبه _____ یا کسی که کنارش بود
ج) التام نيام قازا ماتوا التيهوا. مردم _____ پس وقتی بيمرد

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

- ترجمه کلمات التي تحتها خط.
الف) كنت قد حدثت عن _____
ب) التلاميذ لن يسافروا في هذه الأيام. _____
ج) علينا أن لا نخرج الآخرين. _____
د) لا تياسوا من رحمة الله. _____
هـ) لم تنسى مكانه. _____
و) لم تنسى مكانه. _____
ز) كان عندكم كتب مفيدة. _____
ح) علينا أن لا نخرج الآخرين. _____
د) لا تياسوا من رحمة الله. _____
و) لم تنسى مكانه. _____
ح) ترجم ما أشير إليه بخط. _____

٩	عَيِّن المطلوب منك: (الف) تَلَمَّوا تَلَمَّوا (نوع الفعل) _____ (ب) لا تَسْتَشِيرُ الْكُتَّابَ (نوع لاء) _____ (ج) تَتَيْتُ _____ تمارين من الترس (الثالث ثلاثة / السابع / سبعة)	١												
١٠	(الف) اكتب ترجمة ما أشير إليه بخط: ١. لَتَبَيْضَ عَنِ الْكُذِبِ _____ ٢. اصبح الجو بارداً في منا الصيف. _____ ٣. لستم متكاسلين. _____ ٤. لم يلتفتوا إليه. _____ (ب) ترجم هذه العبارة. دقلي الإنسان أن لا يتدخل في موضوع يعرض نفسه للتهمة.	١/٥												
١١	انتخب كلمة مناسبة للفراغ: (الف) ما يريد الله _____ عَلَيَّكُمْ مِنْ خَرَجٍ (لِيَجْعَلَ / لِيَجْعَلَ / لِيَجْعَلَ) (ب) أُرِيدُ _____ إِلَى سِوقِ الْخَفَافِ (أَنْ أَذْهَبَ / لَمْ أَذْهَبْ / إِنْ أَذْهَبَ)	٠/٥												
١٢	عَيِّن المحل الإعرابي للكلمات التي أشيرُ إليه بخط: (الف) هو محاولة قيحة لكشف أسرار الناس _____ (ب) قد بين علماء اللغة أبعاد هذا التأثير في دراساتهم _____	١												
١٣	عَيِّن اسم التفضيل، اسم التكره و فعل الشرط ثم ترجمها. (الف) في أي مدينة تقع أكبر المكتبة؟ (ب) ما تنتقوا من غير علمه الله	١/٥												
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>فعل الشرط</th> <th>معناه</th> <th>اسم التفضيل</th> <th>معناه</th> <th>اسم التكره</th> <th>معناه</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	فعل الشرط	معناه	اسم التفضيل	معناه	اسم التكره	معناه							
فعل الشرط	معناه	اسم التفضيل	معناه	اسم التكره	معناه									
مهارت درک و فهم														
١٤	عَيِّن الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع: * ✓ الشعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. الاعتناق هو الخشوع و الدوران حول شيء. المشك عطراً يتخذ من نوع من الفولان. لاعبادة مثل التكره.	١												
١٥	عَيِّن العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية: ١. خير الأمور أوسطها. (الف) تم گوی و گزیده گوی چون در / تا ز اندک تو جهان شود بر ٢. عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل. (ب) اندازہ نگہ دار کہ اندازہ نکوست / ہم لایق دشمن است و ہم لایق دوست ٣. خير الكلام ما قل و دل.	٠/٥												
١٦	عَيِّن الكلمة المناسبة: (الف) التي أستاذ الجامعة _____ حول شمل. محاضرة / مسجلاً (ج) إنها ثاني أكبر مدينة في تركيا بعد إسطنبول. قونية / انقره (د) لم ينجح بل خيسر. قيشل / تديم	١												
١٧	أجب عن الأسئلة: (الف) كيف يجب على الطالب أن يجلس أمام المعلم؟ _____ (ب) يتم تذهب إلى المدرسة؟ _____	٠/٥												
مهارت مکالمه														
١٨	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. (الأدوية - استم - الأدوية - في نهاية - ين - استم - المششوصف - أين - همز ؟ -)	٠/٥												



پاسخنامه

خودآزمایی

جمله ها را ترجمه کن سپس زیر اسم تفضیل یک خط و زیر اسم مکان دو خط بکش.

- الإعجاب بالتمس من أبيع الأعمال خودبستگی از زشت‌ترین کارهاست.
- افتتح أكبر مكتبة في مدرستنا بزرگ‌ترین کتابخانه در مدرسه ما افتتاح شد.
- أكلنا في المطعم الأدهم در رستوران لذیذترین غذا را خوردیم.
- الحياء حسن ولكن في النساء أحسن حیا نیکوست ولی در زنان نیکوتر است.
- خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم بهترین برادران شما کسی است که به شما عیب‌هایتان را هدیه دهد.
- شئ الناس من لا يعتقد الأمانة بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد ندارد.
- تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة یک سال تفکر بهتر از ۷۰ سال عبادت است.
- ذلك متجرب صدیقی این مغازه دوستم است.

تمرین های تشریحی

- الف) کلمات مشخص شده را ترجمه کن.
- آلوده شدن به گناه / تا کامل کنم
 - ارتباط / مغازه
 - به آن‌ها لقب ننهد / کم شد، گمراه شد
 - گناه / دورو
- ب) مترادف و متضاد را مشخص کن.
- عسی - رثما / ذنب - اثم / عاب - لمز / التماسی - الرجالی / اعلی - ارحص / عالی - رخیص / اعلا - الجامل / ساء - حسن / میت - حی / خفی - ظاهر

- ج) مفرد و جمع کلمات را بنویس.
- مفرد: کباب، کبیره / اناب، لب / ارذل، افضل / افضل، اموات / میت / تراویل، سروال
 - جمع: بیهمه، بهائم / تنبیه، اسباب / مکتب، کتاب / یعر، اسعار / زمیل، زملاء / فستان، فساتین
- د) فعل‌های زیر را ترجمه کن.
- آن را ناپسند می‌دارند / گاهی می‌باشد / جاسوسی نکنند / با آن‌ها ستیز کن / به من بده / فرستاده شدم / چیره شد / پناه می‌برم / اعتقاد ندارد / ناپسند

- الف) عبارات را ترجمه کن.
- گاهی بین مردم کسی است که از ما بهتر است.
 - بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی را بجویی که مانند آن در خودت باشد.
 - تلاشی زشت است برای آشکار ساختن رازهای مردم برای رسوا کردنشان که از کتابان بزرگ است.
 - غیبت از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.
 - مانا پروردگارت به هرکس که از رامش گمراه شد، داناتر است.
 - پیراهن سفیدی از مغازه دوستم خریدم.
 - هرکس اخلاص بد شود خودش را عذاب می‌دهد.
 - ای پوشاندن عیب‌ها و ای دانای نهان‌ها.
 - آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مردش را بخورد؟ این کار

را ناپسند می‌دارید، از خدا بپروا کنید. خداوند توبه‌پذیر مهربان است.

۱۷. خداوند آرامش را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد.

ب) جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.

- ای کسانی که ایمان آوردید نباید مردمانی مردم دیگر را مسخره کنید. شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند نه زانی زانی (دیگر) را (نبايد مسخره کنند).
- آن تلاشی زشت است برای کشف اسرار مردم برای رسوایی‌شان است.
- آیه اول ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید، از دیگران عیبجویی نکنید.
- بر ما لازم است که از خودبستگی دوری کنیم و این که عیب‌های دیگران را ذکر نکنیم.

- بهترین دوستان شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد.
- خداوند کسی را جز به اندازه توانش متکلف نمی‌کند.
- در میزان چیزی سنگین‌تر از خوش اخلاقی نیست.

ج) ترجمه مناسب را انتخاب کن.

- | | | |
|---------|---------|---------|
| ۲۵. الف | ۲۸. ب | ۲۱. ب |
| ۲۶. ب | ۲۹. الف | ۲۲. الف |
| ۲۷. الف | ۳۰. الف | |

الف) موارد خواسته شده را مشخص کن.

- أحسن اسم تفضیل / التمس، مضات إليه
- أخبر، میتدا / فیکه، جار و مجرور
- أسرار، کباب، الذوبیه جمع مکسر
- التواكل، مصدر فعل گروه دوم / أهت، اسم تفضیل
- هل، فعل ماضی / أظلم، اسم تفضیل
- أیض، صفت / متجر، اسم مکان
- خلق، فاعل / تش، مفعول
- سار، علام، اسم مبالغة
- أخذ، فاعل / م مفعول
- سکینه، مفعول / رسول، مجرور به حرف جر

ب) عملیات ریاضی را بنویس.

- | | |
|-------------|----------|
| ۴۳-۱۸-۹۰۰۵ | ۴۶-۱۱-۱۲ |
| ۴۴-۱۰۰-۲۰۰۵ | ۴۷-۳۳-۶۶ |
| ۴۵-۳۰-۱۷۰۱۳ | |

- ج) موارد خواسته شده در جملات و ترکیب‌ها را بنویس.
- اسم تفضیل، خبر / جار و مجرور، من أخبر / فی مکتب، مصدر، الاستهزاء
 - فعل نهی، لا تقنبا / جمع مکسر، اناب / ما مفعول
 - اسم فاعل، خلق / اسم مفعول، مخلوق / اسم مبالغة، غتار
 - فعل امر، اغفر / همیر دوم شخص، انت / تش و ارحمته، خبر
 - اسم تفضیل، شر / تش الخیانه، مفعول / نوع فعل، لا یعتقد، مضارع منفی
 - الأفاضل، فاعل / مفرد و الأفاضل، افضل / معنی و ارنزل، فرومایگان
 - فاعل، الآية مفعول، تا / صفت، الأولى

د) جواب صحیح را انتخاب کن.

- فعل مجهول، یعدت
- مترادف و اثم، ذنب
- کلمه مناسبه لهذه العبارة سوء الظن
- اسم تفضیل، خیر
- خبر، امر

ه) جدول را کامل کن.

الماضي	المضارع	الأمر / النهی
قد أحسنت	تحسبن	أحسبوا
نیکی کردی	نیکی می‌کنیم	نیکی کنید

الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تُحسِنونَ	إحسان	ح-س-ن
نیکی نمی کنید.	نیکی کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
اجتنبت	سوف یجتنبان	اجتنبوا
دوری کرد.	دوری خواهند کرد.	دوری کنید.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا یجتنبن	اجتتاب	ج-ن-ب
دوری نمی کنند.	دوری کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
عذبتا	تُعذبن	لا تُعذبی
عذاب دادند.	عذاب می دهید.	عذاب نده.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما عذبت	تعذیب	ع-ذ-ب
عذاب نداد.	عذاب دادن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
استرجعوا	یسترجعون	استرجعوا
پس گرفتند.	پس می گیرند.	پس بگیرد.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تسترجعون	استرجاع	ر-ج-ع
پس نمی گیرید.	پس گرفتن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
تخرجنا	سأخرج	لا تخرجی
دانش آموخته شدید.	دانش آموخته خواهم شد.	دانش آموخته نشو.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما تخرجت	تخرج	ع-ج-ح
دانش آموخته نشدم.	دانش آموخته شدن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
قد اشتغلتم	تشتغلن	اشتغل
کار کردید.	کار می کنید.	کار کن.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تشتغلین	اشتغال	ش-غ-ل
کار نمی کنید.	کار کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
حاول	سوف یحاول	حاولی
تلاش کرد.	تلاش خواهد کرد.	تلاش کن.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما حاولنا	محاولة	ح-و-ل
تلاش نکردیم.	تلاش کردن	

الف) بر اساس متن به سؤالات پاسخ دهید.

۶۱. کُتِبَ عملٌ اُتِیةٌ بِأَکْلِ لَحْمِ الْأَخْ.

۶۲. لا یجوز التَّجَسُّسُ فی أُمُورِ الْأَخْرَیْنِ.

۶۳. سورة الحجرات.

۶۴. العَجَبُ، الفِیةُ، سوء الظَّنُّ، التَّجَسُّسُ و...

۶۵. لأمیر المؤمنین (ع).

۶۶. خَاطَبَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا (المؤمنین).

ب) متن را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

ترجمه متن. «نخستین مسئولیت زن توجه به خانواده است. اخلاقیاتی که در خارج از خانه دیده می شود نتیجه پسر اولیاد است که مادر در خانه کاشته است. مادر در ذهن کودک اهدافی را که در زندگی اش دنبال خواهد کرد، ترسیم می کند. به همین دلیل، معتقدیم اصلاح واقعی مردم در تربیت دختران است. علاوه بر این از دیگر وظایف زنان شرکت در فعالیت های اجتماعی است و از برترین این فعالیت ها مبارزه با فقر و نادانی و بیماری است.»

۶۷. **گزینه ۱** «مادر نمونه کسی است که... ووظایف خانوادگی و اجتماعی را یکجا جمع کند.»

ترجمه سایر گزینه ها. گزینه ۲، «با بیماری ها مبارزه کند و پزشک شود و تربیت فرزندانش را برعهده کند» / گزینه ۳، «بیرون از خانه کار نکند و دوست داشته باشد فرزندانش زیاد داشته باشد» / گزینه ۴، «به وظایف اجتماعی نپردازد و به تربیت فرزندانش برسد.»

۶۸. **گزینه ۲** «مبارزه با بیماری چگونه از سوی مادر محقق می شود؟» گزینه نادرست «وقتی کودک بیمار شود و پزشکان او را معالجه کنند.»

ترجمه سایر گزینه ها. گزینه ۱، «وقتی که به فرزندانش برعکس از آلودگی ها را آموزش دهد» / گزینه ۳، «وقتی پزشک شود و بیماری ها را درمان کند» / گزینه ۴، «هنگامی که به تربیت فرزندی سالم اقدام کند»

یا توجه به گزینه ها، گزینه ۲ ارتباطی یا نقش مادر در درمان بیماری ها ندارد.

۶۹. **گزینه ۲** «اگر تبهکار از خانواده های خوشبخت بهره می برد، چه بسا جرمی مرتکب می شد»

گزینه ۱، کودک - زن - اقدام می کند به / گزینه ۳، انسان - فرنگ - اقدام نمی کرد به / گزینه ۴، خانه - به اخلاق - بخش نمی شد. / یا توجه به جمله، گزینه ۴ مناسب است.

۷۰. **گزینه ۴** «مقصود متن، اهمیت نقش زن در اصلاح جامعه»

گزینه ۱، «احترام به مادران در جامعه»

گزینه ۲، «بی توجهی به تربیت پسران در پیشرفت جامعه»

گزینه ۳، «اختصاص تربیت به دختران»

تمرین تستی

۷۱. **گزینه ۲** «در این گزینه متضاد نداریم. متضاد در سایر گزینه ها، گزینه ۱، «ابتعاد دوری» و «تقریب نزدیکی» / «ارزادله فرومایگان» و «افاضل شایستگان» متضاداند. گزینه ۳، «ارخص ارزان تر» و «غالیه گران» متضاداند. گزینه ۴، «لکن» به فتح توه و «علیک» بر هذ توه متضاداند.»

۷۲. **گزینه ۲** «ولا یُکَلِّفُ مضارع منفی، مکلف نمی کند، تکلیف نمی کند» «وَسِعَ، توانایی»

۷۳. **گزینه ۲** «سَاءَ بد شده» و «بِأَعْدَابٍ عَذَابٍ دانه مترادف هستند. (در واقع هیچ ارتباطی بین این افعال نیست)»

۷۴. **گزینه ۲** «بررسی سایر گزینه ها، «جمع اُکیر، اُکابر» (جمع اسم تشبیل بر وزن «افاعل» است) و «لحم، لُحوم» و «ذَنب، ذُنوب»

۷۵. **گزینه ۱** «ولا تُقْبِیْمُ بِالْغَبِّ» به آن ما لقب های تمهیدیه (القاب - جمع) (ردگزینه های ۲، ۳ و ۴) «تکرهونها» آن را ناپسند می نازند، ناپسندشان می نازند. (تکرهون - مضارع، سوم شخص جمع / ما - مفعول آن را) (ردگزینه های ۳، ۴ و ۵)

۷۶. **گزینه ۳** «و یُحِبُّ، دوست دارد» (فعل مضارع) (ردگزینه ۱ و ۲) «أَحَدٌ کَم، کسی از شما» (ردگزینه ۱ و ۲) «و اُحِبُّه مینا، برادر مردمان» (ردگزینه های ۱، ۲ و ۳) «و کَرِهْتُمُوهُ آن را زشت می شمارید، آن را ناپسند می دارید» (ردگزینه ۱)

۷۷. **گزینه ۲** «و نَصَحْنَا الْآیَةَ الْأُولَى، آیه اول ما را نصیحت می کند» (انصح - فعل مضارع / نا - مفعول (مارا) / «وَالْأُولَى» (صفت برای آیه) (ردگزینه ۱ و ۲) «لا تَصِیْبُوا الْآخِرَةَ، از دیگران عیب جویی نکنید» (ردگزینه ۳ و ۴) (ردگزینه ۳ و ۴) «و هرگز زائد و در گزینه ۴ «و ابتداء زائد است» و «وَالْأُولَى» صفت برای «آیه» است)

۷۸. **گزینه ۲** «والتَّیْبِ بیری» (ردگزینه ۳) و در گزینه ۱ «همیر» (هَمَّاء و «و آن ها زائد است» / «و علی الشَّیْبِ» بر جوانان لازم است، جوانان باید» (ردگزینه ۴)